

يَا رَاحِمَ رَنَّةِ الْعَلِيلِ، وَيَا عَالِمَ مَا تَحْتِ خَفَى الْأَيْنِ، اجْعَلْنِي مِنَ السَّالِمِينَ فِي حِصْنِكَ الَّذِي لِاتْرُومُهُ الْأَعْدَاءُ، وَلَا يَصِلُ إِلَيَّ فِيهِ مَكْرُوهُ الْأَذَى، فَأَنْتَ مُجِيبٌ مَنْ دَعَا، وَرَاحِمٌ مَنْ لَادَ بِكَ وَشَكَا، اسْتَعِظُكَ عَلَيَّ، وَأَطْلُبُ رَحْمَتَكَ لِفَاقَتِي، فَقَدْ غَلَبَتِ الْأُمُورُ قَلَّةَ حِيلَتِي، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ كَذَلِكَ، وَلَمْ أَكُ شَيْئاً فَكَوَّنْتَنِي، ثُمَّ بَعَدَ التَّكْوِينِ إِلَيَّ دَارِ الدُّنْيَا أَخْرَجْتَنِي، وَبِأَحْكَامِكَ ابْتَلَيْتَنِي، سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ لِأَجِدُ عُذْرًا أَعْتَذِرُ فَأَبْرَأُ، وَلَا شَيْئاً أَسْتَعِينُ بِهِ دُونَكَ فَأَعِنِّي، إِلَهِي اسْتَعِظُكَ عَلَيَّ أَبَدًا أَبَدًا.

ای رحم کننده ناله بیمار، و ای دانای آنچه در زیر آه پنهان است، مرا قرار ده از سلامت یافتگان در دژت که دشمنان به آن دست نیابند، و در آن به من نمی‌رسد آزاری ناخوشایند، که تو اجابت کننده هستی هر کس را که دعا کند، و رحم کننده هستی هر کس را که به تو پناه برد و شکایت کند، از تو برای خود مهربانی می‌طلبم، و رحمتت را برای بی‌چیزیم درخواست می‌کنم که امور چیره شده بر کمی چاره‌ام، و چگونه چنین نباشد، و من چیزی نبودم و تو مرا هستی بخشیدی؟! سپس بعد از ساختن به سرای دنیا خارج نمودی، و به احکامت مرا آزمودی، پاکی تو، پاکی تو، نمی‌یابم عذری را که عذرخواهی کنم و رها گردم، و نه چیزی را که از آن یاری جویم غیر تو، پس مرا یاری ده خدای من، پیوسته و پیوسته از تو برای خود مهربانی می‌جویم.

إِلَهِي، كَيْفَ أَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ؟! وَكَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي؟! وَإِنْ كُنْتُ غَاصِيًا، مَدَدْتُ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً، وَعَيْنًا بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً، وَدَمْعَةً بِالْأَمَالِ مَوْصُولَةً.

خدای من، چگونه تو را بخوانم در حالی که تو را نافرمانی کرده‌ام؟! و چگونه تو را نخوانم در حالی که شناخته‌ام دوستی‌ات را در قلبم؟! و اگر نافرمان باشم، دستی را دراز می‌کنم پر از گناهان، و چشمی را که به امید دوخته شده و اشکی را که به آرزوها پیوسته باشد.

إِلَهِي، أَنْتَ مَلِكُ الْعَطَايَا، وَأَنَا أَسِيرُ الْخَطَايَا، وَمَنْ كَرَّمَ الْعُظْمَاءَ الرَّفُوقُ بِالْأَسْرَاءِ، وَأَنَا أَسِيرٌ بِجُرْمِي، مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِي.

خدای من، تو صاحب عطاها هستی و من اسیر خطاها هستم، و از کرم بزرگان است مدارا کردن با اسیران، و من اسیر گناهم هستم و در گرو عملم.

إِلَهِي، لَيْسَ طَالِبَتَنِي بِسَرِيرَتِي لِأَطْلُبَنَّ مِنْكَ عَفْوَكَ.

خدای من، اگر به کارهای پنهانم مطالبه کنی، از تو عفوتم را می‌طلبم.

إِلَهِي، لَبِنُ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَحَدْتَنَنْ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ.

خدای من، اگر مرا به آتش داخل کنی با اهل آن خواهم گفت که تو را دوست دارم.

إِلَهِي، الطَّاعَةُ تَسْرُكُ، وَالْمَعْصِي لَاتُضْرُكُ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَسْرُكُ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يُضْرُكُ.

خدای من، طاعت، تو را خشنود می‌نماید و معصیت‌ها تو را زیان نمی‌رساند. پس درود فرست بر محمد و آلش، و ببخش به من آنچه تو را خشنود می‌نماید و ببخشای بر من آنچه تو را زیان نمی‌رساند.

إِلَهِي، أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأَطِيلَ بُكَائِي؟! أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي؟!

خدای من، آیا مرا از اهل شقاوت آفریده‌ای، تا گریه‌ام را طولانی سازم؟ یا از اهل سعادت مرا خلق نموده‌ای که امیدم را مزده دهم؟

إِلَهِي، أَلَوْفَعِ مَقَامِعِ الزَّبَانِيَةِ رَكَبْتَ أَعْضَائِي، أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي؟

خدای من، آیا برای ضربه‌های کوبنده آتشین فرشتگان غضب، اندام‌هایم را کار گذاشته‌ای؟ یا برای نوشیدن آب جوشان جهنم اعضا درونی‌ام را آفریده‌ای؟

إِلَهِي، أَنَا الَّذِي لَأَقْطَعُ مِنْكَ رَجَائِي وَلَا أُحْيِبُّ مِنْكَ دُعَائِي.

خدای من، من آن هستم که امیدم را از تو قطع نکنم و دعایم را از تو ناکام نگردانم.

إِلَهِي، نَظَرْتُ إِلَى عَمَلِي فَوَجَدْتُهُ ضَعِيفًا، وَحَاسَبْتُ نَفْسِي فَوَجَدْتُهَا لِاتَّقَوِي عَلَى شُكْرِ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ أَنْعَمْتَهَا عَلَيَّ، فَكَيْفَ أَطْمَعُ أَنْ أُنَاجِيكَ؟!

خدای من، به عملم نگاه کردم و آن را ضعیف یافتم و نفسم را محاسبه نمودم و آن را یافتم که توانا نیست بر سپاس گفتن یک نعمت از نعمت‌هایی که به من داده‌ای، پس چگونه طمع می‌کنم که با تو مناجات نمایم؟!

فَارْحَمْنِي إِذَا طَاشَ عَقْلِي، وَحَشْرَجَ صَدْرِي، وَأُدْرِجْتُ خَلْوًا فِي كَفْنِي، وَإِنْ كَانَتْ دَنْتَ وَفَاتِي وَشُخُوصِي إِلَيْكَ، فَاحْشُرْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس مرا رحم کن آنگاه که عسلم سرگشته گردد و سینه‌ام به خرخره مرگ تنگ شود، و قرار داده شوم به تنهایی در کفنم، و اگر مرگم نزدیک شده و رفتنم به سوی تو فرا رسیده باشد، مرا محشور ساز همراه محمد و خاندان پاکش که صلوات خداوند بر همه آنان باد، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer